

مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز
دوره دوم، شماره اول، تابستان ۱۳۸۹، پیاپی ۵۸/۳ - صفحه‌های ۱-۳۷
(مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)

ارائه‌ی مدلی برای گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی؛ نمونه موردی ایران

دکتر جعفر باباجانی*
دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حجت اله صیدی**
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

توسعه‌ی بازار سرمایه در کشورهای اسلامی نیز مانند تمامی کشورهای جهان به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه‌ی اقتصادی، در زمره‌ی اهداف اصلی دولت و دستگاه‌های حکومتی قرار داشته است. به همین دلیل، گسترش و پیشرفت روز افزون عملیات مالی در این کشورها و ارتقای سطح خدمات مالی اسلامی در پهنه‌ی جهان، موجب اهتمام جدی اندیشمندان و فعالان مسلمان این رشته از فعالیت‌های کسب و کار برای تشکیل بازارهای سرمایه‌ی اسلامی شده است؛ بازارهایی که ساختار محصولات و فعالیت‌های تأمین مالی در آنها، مطابق ضرورت‌ها و ضوابط مورد نظر دین مبین اسلام تعریف شده باشد.

از آن‌جا که یافته‌های حاصل از پژوهش‌های بی‌شماری که در حوزه‌ی بازار سرمایه انجام پذیرفته، جملگی بر تاثیر چشم‌گیر اطلاعات بر قیمت اوراق بهادار صحه می‌گذارند و یکی از مناسب‌ترین عرصه‌های ارائه‌ی اطلاعات در بازار سرمایه، گزارش‌گری مالی شرکت‌ها است، توجه به نقش گزارش‌گری

* دانشیار بخش حسابداری

** استادیار بخش حسابداری

مالی در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی و تفاوت آن با بازارهای غیر اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای در عرصه‌ی پژوهش برخوردار است. از سوی دیگر، توجه به این حقیقت که اسلام دینی نیست که تنها به حوزه‌های فردی محصور شده باشد، بلکه نظام انسجام یافته‌ای را برای زندگی انسان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سایر جنبه‌های زندگی عرضه می‌کند، لزوم توجه به شکل و محتوای گزارش‌گری مالی، به نحوی که پاسخ‌گوی الزام‌های این نظام باشد، اهمیت دو چندان می‌یابد.

نوشته‌ی حاضر، حاصل پژوهشی است که برای دستیابی به مدلی مطلوب از گزارش‌گری مالی در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی انجام پذیرفته است. بررسی‌های این پژوهش نشان از آن دارد که در نظام اقتصادی مورد نظر اسلام، از یک سو بر شفافیت گزارش‌های مالی و همچنین ارتقای ظرفیت پاسخ‌گویی تأکید گردیده و از سوی دیگر، محاسبه‌ی سود واقعی و توزیع عادلانه‌ی آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بدین ترتیب، مدل گزارش‌گری مورد نظر در این نظام اقتصادی، باید به گونه‌ای باشد که در عین شفافیت و برخوردار از ویژگی کلیدی افشای کافی، ابزاری کارآمد برای ایفای مسوولیت خطیر پاسخ‌گویی شرکت‌ها تلقی شود و از قابلیت‌های لازم برای محاسبه‌ی سود واقعی و نهایتاً توزیع عادلانه‌ی آن بین ذی‌نفعان بنگاه نیز برخوردار باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مدل گزارش‌گری مبتنی بر نظریه‌ی وجوه - که یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مالکیست در ادبیات حسابداری است - نیل به اهداف پیش گفته را تسهیل می‌کند. بر این اساس و با توجه به این که طبق شواهد جمع‌آوری شده در طی تحقیق، برای رسیدن به مدل مطلوب گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه، بازنگرایی اساسی در صورت‌های مالی رایج ضرورت دارد، نتیجه‌ی نهایی پژوهش حاضر به مدلی از گزارش‌گری مالی منجر شده است که در آن، نقطه‌ی مرکزی گزارش‌گری و تهیه‌ی صورت‌های مالی، نه شخصیت اقتصادی یا مالکین بنگاه، بلکه رشته فعالیت‌های اصلی کسب و کار و بخش‌های مهم بنگاه است. به نظر نگارندگان، صورت‌های مالی پیشنهادی و مبتنی بر یافته‌های پژوهش را می‌توان به عنوان جایگزینی مناسب برای صورت‌های مالی رایج، دست کم در شرکت‌های سرمایه‌گذاری ایران که در رشته‌های مختلفی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، تلقی نمود.

واژه‌های کلیدی: ۱. نظریه‌ی وجوه ۲. گزارش‌گری مالی ۳. صورت‌های مالی اساسی ۴. بازار سرمایه‌ی اسلامی ۵. مسوولیت پاسخ‌گویی ۶. افشاء کامل ۷. سود واقعی.

۱. مقدمه

مجموعه پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی «نظریه‌ی حسابداری» و با هدف تبیین نقش و کارکرد حسابداری انجام پذیرفته، جملگی بر تلقی حسابداری به عنوان شاخه‌ای از علوم اجتماعی صحنه گذاشته و شواهد متقنی را درخصوص تاثیر پذیری رویه‌های حسابداری و نظام گزارش‌گری مالی از عوامل محیطی ارائه داده‌اند. مطالعه‌ی روابط موجود بین حسابداری و محیط پیرامون آن تا آن‌جا پیش رفته که از یک سو مواردی مانند فرهنگ و مؤلفه‌های اجتماعی دیگر، به عنوان عواملی تعیین کننده درجهت‌گیری و کارکرد حسابداری به شمار رفته‌اند (هافستد و گری، ۱۹۸۰) و حتی حسابداری خود به عنوان دستاوردی از محیط تلقی شده است (اچ. پریرا، ۱۹۸۹ و رادباو و گری، ۱۹۹۳) و ازسوی دیگر، برخی نظریه‌پردازان، حسابداری را مجموعه‌ای از باورها و تکنیک‌هایی تلقی می‌کنند که توان تأثیرگذاری بر رفتارها و ارزش‌های جاری در جامعه را دارد. هاپ وود (۱۹۹۱) این موضوع را باتعبیر دیگری که بیان‌کننده‌ی ماهیت حسابداری به عنوان بخشی از فرهنگ و اصول حاکم بر جامعه و حتی تاریخ است، مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بر این اساس، عواملی مانند خط‌مشی‌های حقوقی و سیاسی، ساختار نظام مالکیتی، اندازه و پیچیدگی نظام کسب و کار، روابط مالی و مالیاتی، میزان رشد و توسعه‌ی اقتصادی، میزان ابداع، ابتکار و نوآوری‌های مربوط به فن‌آوری، سطح نظام آموزشی جامعه و حتی شرایط آب و هوایی، به میزان قابل ملاحظه‌ای تعیین‌کننده‌ی چیستی، چرایی و چگونگی نظام حسابداری یک کشور به شمار می‌روند و تغییر هرکدام از آن‌ها، زمینه‌ساز تغییرات لازم در نظام گزارش‌گری مالی خواهد بود.

در راستای چنین تفکری، درسال‌های اخیر مجموعه‌ی جدیدی از پژوهش‌ها و بررسی‌ها در خصوص تأثیر باورها و ارزش‌های جاری در جوامع اسلامی بر نظام حسابداری و گزارش‌گری مالی، شکل گرفته است. هسته‌ی اصلی این پژوهش‌ها، تاکید روزافزون برتلقی شریعت اسلام به عنوان منبع و عامل اصلی تعیین‌کننده‌ی رفتارهای مسلمانان، ازجمله رفتارهای اقتصادی آن‌ها، چه به صورت فردی و چه در هیأتی جمعی

است. نظام حسابداری به عنوان عاملی مؤثر در رفتارهای اقتصادی مسلمانان، در این میان جایگاهی ویژه دارد. (ملیاه سلیمان، ۲۰۰۵) بر این اساس است که تعریف حسابداری به عنوان فراهم آوردن اطلاعات قابل استفاده برای اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی یا تلقی آن به عنوان ابزاری برای ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی، زمینه‌ی برقراری ارتباط معنی‌دار بین حسابداری و شریعت اسلام را هموار کرده است. از این روی، مباحث نظری و پژوهشی قابل توجهی از سوی صاحب‌نظران و پژوهش‌گران مختلف علوم مالی درخصوص حسابداری مالی و گزارش‌گری مالی اسلامی مطرح گردیده که هسته‌ی اصلی آن‌ها را میزان کفایت و قابلیت گزارش‌های مالی در برآورده ساختن الزامات نظام اقتصادی مورد نظر اسلام تشکیل می‌دهد. اگرچه نتیجه‌ی برخی از این پژوهش‌ها، به تلاش برای ارائه‌ی مدلی از گزارش‌گری مالی اسلامی منجر شده، اما هنوز به این سوال مهم که «آیا ارائه‌ی مدلی مطلوب از گزارش‌گری که هم از منظر اسلام و الزامات آن قابل قبول باشد و هم متضمن انتشار اطلاعات با شکل و محتوایی قابل استفاده برای مسلمانان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها در دنیای کسب و کار باشد، مقدور است یا نه؟» پاسخ متقنی ارائه نشده و از این رو اظهار نظر قاطع درخصوص وجوه تشابه و تمایز مدل مفروض با مدل‌های رایج گزارش‌گری درجهان نیز امکان نداشته است. ملیاه سلیمان (۲۰۰۵) از این جست و جوی طولانی، پیچیده و طاقت فرسا، تعبیر مختصر و مفیدی دارد: «آیا آنچه به لحاظ نظری، گزارش‌گری مطلوب اسلام خوانده می‌شود با آنچه مسلمانان واقعاً و در عمل، در پی آنند یکسان است؟» و در ادامه، برای پاسخ قسمت اول سوال، پژوهش قیاسی و برای بخش دوم آن، پژوهش کاربردی و تجربی را پیشنهاد می‌کند. به نظر می‌رسد که دستیابی به پاسخ‌های کامل‌تر برای این سوال و سوال‌هایی از این دست، از یک سو مستلزم تأمل و مذاقه در وجوه اشتراک و افتراق مواردی مانند واجب، حرام و همچنین مباح و حلال در شریعت اسلام و از سوی دیگر غور در مباحث نظری و ادبیات مربوط به حسابداری و گزارش‌گری مالی باشد.

نکته‌ی دیگری که بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، نقش فعال و رو به گسترش مسلمانان در عرصه‌ی اقتصاد جهانی است. به گونه‌ای که امروزه مفاهیمی مانند بازار سرمایه‌ی اسلامی، بانکداری اسلامی و محصولات و ابزارهای مالی اسلامی، مفاهیمی نیستند که تنها در چارچوب بسته‌ی جامعه‌ای کوچک یا حتی منطقه‌ای خاص از جهان

رواج داشته باشند؛ بلکه موضوعی است که حتی در دانشگاه‌های مغرب زمین و بازارهای سرمایه‌ی کشورهای غیر اسلامی نیز جایگاه خود را یافته و بسیاری از بانک‌ها و موسسات پولی و مالی غربی، با ایجاد بخش‌ها و دواير عملیات و معاملات پولی و مالی اسلامی به گسترش روزافزون این موضوع کمک کرده‌اند.

برخلاف گسترش فزاینده‌ی بازارهای سرمایه‌ی اسلامی و نیاز قابل ملاحظه، به آنچه گزارش‌گری مطلوب اسلامی تلقی می‌شود، ادبیات مربوط به حسابداری اسلامی و گزارش‌گری مالی مبتنی بر آن، هنوز از نقصان و کمبود چشم‌گیری به ویژه در حوزه‌ی مباحث نظری رنج می‌برد. از آن‌جا که کندوکاوهای علاقه‌مندان به این موضوع، جز دستیابی به چند مقاله و بخش‌هایی از پژوهش‌ها و معدودی پایان‌نامه‌ی دانشگاهی که هرکدام از دریچه‌ای خاص به این موضوع پرداخته‌اند، حاصل و دستاورد و وسیع تری را به همراه نداشته، به نظر می‌رسد که هرگونه تلاش برای افزودن برگ‌هایی هرچند محدود بر این کتاب، بی‌فایده نخواهد بود. پژوهش حاضر، به منظور یافتن پاسخی برای سوال مهم پیش‌گفته و دستیابی به مدلی مطلوب از گزارش‌گری مالی که ضرورت‌های بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی را برآورده سازد، برنامه‌ریزی گردیده است. بدیهی است در این نوشته مفاهیم «بازارهای سرمایه‌ی اسلامی» و «بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی» معادل هم در نظر گرفته شده‌اند زیرا بازارهای سرمایه در کشورهای بزرگی مانند ایران، عربستان، اندونزی، پاکستان و مالزی، به دلیل اسلامی بودن کشورهای متبوع، خود اسلامی است؛ اگر چه ممکن است کشورهای کوچکی با دین رسمی اسلام یافت شوند که قوانین اسلامی بر بازار سرمایه‌ی آن‌ها حاکم نیست.

طبق برنامه‌ریزی انجام شده، برای رسیدن به هدف نهایی پژوهش و دستیابی به مدل مورد نظر، سه مرحله‌ی اساسی طی گردید: در **مرحله‌ی اول**، ابتدا مبانی نظری گزارش‌گری مالی در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، در کشورهای مختلف به ویژه در کشور مالزی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و سپس عوامل کلیدی مؤثر بر گزارش‌های مالی قابل ارائه و استفاده در بازار سرمایه‌ی کشورهای مسلمان، از منابع مذکور استخراج و تبیین گردیدند تا برای نظرخواهی از صاحب نظران و خبرگان این حوزه، مورد استفاده قرار گیرند. در **مرحله‌ی دوم**، نظر خواهی از افراد خبره و متخصص در حوزه‌ی گزارش‌گری مالی و بازار سرمایه از طریق پرسش‌نامه‌ی تنظیمی و تجزیه و

تحلیل نتایج به دست آمده در دستور کار قرارداداشت تادستیابی به اجماع عمومی در خصوص عوامل کلیدی مؤثر بر گزارش‌گری مالی مطلوب برای بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی به ویژه ایران، میسر و لزوم رعایت آن عوامل و افشای اطلاعات مورد تأیید خبرگان در گزارش‌های مالی روشن گردد. براساس نتایج به دست آمده در این مرحله، گام نهایی پژوهش برداشته شد که معرفی عوامل کلیدی مورد اجماع خبرگان و تدوین مدل مطلوب برای گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه‌ی کشور اسلامی ایران در مرحله‌ی سوم تحقیق بود.

۲. مبانی نظری گزارش‌گری مالی در بازارهای سرمایه اسلامی

گزارش‌گری مالی که شامل فرایند ثبت، گزارش‌گری و تفسیر آثار اقتصادی معاملات و رویدادهای مالی بوده و محصول نهایی آن گزارش مالی سالیانه، اعم از صورت‌های مالی اساسی، یادداشت‌های توضیحی و گزارش‌های خاص است، (استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۰) دو هدف اساسی دارد: ارائه‌ی اطلاعات مالی به منظور تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و ارائه‌ی اطلاعات مالی برای ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی. به عبارت دیگر، گزارش‌گری مالی از یک سو با ارائه‌ی اطلاعات اقتصادی پردازش شده، زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان بالفعل و بالقوه و سایر گروه‌های علاقه‌مند در خارج از سازمان و همچنین مدیران و برنامه‌ریزان را در درون سازمان فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با توجه به مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها، گزارش‌گری مالی به عنوان ابزاری کارآمد برای مدیران برای ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی به شمار می‌رود.

در چارچوب مفهومی گزارش‌گری مالی، هنگامی که چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری مورد نظر است، هدف حسابداری، فراهم آوردن اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری اقتصادی تلقی می‌شود. در این چارچوب، مهم این نیست که اطلاعات درباره‌ی چیست؛ زیرا عرضه‌ی اطلاعات بیشتر، مادام که اقتصادی است، همواره به اطلاعات کم‌تر ترجیح داده می‌شود و حتی اطلاعات ذهنی نیز تا زمانی که سودمند است، مورد استقبال قرار می‌گیرد. اما در چارچوب مبتنی بر مسوولیت پاسخ‌گویی، رابطه‌ی متقابل بین پاسخ‌گو^۱ یا عرضه‌کننده‌ی اطلاعات و پاسخ‌خواه^۲، یا استفاده‌کننده از اطلاعات حسابداری برقرار شده و هرطرف صاحب حق تلقی می‌شود. پاسخ‌خواه حق معینی برای دانستن دارد و پاسخ‌گو

نیز درحین حال، حق دارد از حریم قانونی خود حفاظت کند. (ایجبری، ۱۹۸۳)

حقیقت این است که با ورود مفهوم «مسئولیت پاسخ‌گویی» به حیطه‌ی ادبیات حسابداری، تلاش برای تدوین بیانیه‌های مفهومی، مقاله‌ها و طرح‌های پژوهشی مختلف در سراسر جهان آغاز شده و با نگاهی متفاوت به مقوله‌ی گزارش‌گری مالی، پژوهش‌ها و تلاش‌های مذکور منجر به نتایج مفیدی مانند تعیین سطوح پاسخ‌گویی، تدوین مدل‌های گزارش‌گری برای ارتقاء صورت‌های مالی در راستای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی و هم‌چنین تبیین دقیق عوامل مؤثر بر ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌شود. نتایج حاصل از مطالعه‌ها و پژوهش‌های انجام گرفته، به طور خلاصه، بر لزوم ارائه‌ی گزارش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کنار گزارش‌های مالی تأکید می‌کند و بدین ترتیب است که با توجه به تعبیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مبنی بر تلفیق عملیات و ارزش‌های بنگاه به گونه‌ای که منافع همه ذی‌نفعان، از جمله مشتریان، کارکنان، سهام‌داران و جامعه در سیاست‌ها و رفتار بنگاه ملحوظ شود، امروزه اطلاعات مربوط به مقوله‌های اجتماعی و زیست محیطی و رعایت آن‌ها از سوی بنگاه نیز به صورت بخشی از گزارش‌های سالیانه یا به صورت مستقل، منتشر می‌شود. مضمون اصلی این نوع گزارش‌گری، عبارت است از انعکاس آثار فعالیت‌های اقتصادی شرکت بر گروه‌های مختلف اجتماع و از این روست که در عصر حاضر، دامنه‌ی گزارش‌گری از انعکاس نتایج مالی فعالیت‌های شرکت برای سهام‌داران فراتر رفته و این امر، از این فرض اساسی ناشی می‌شود که امروزه، بنگاه‌ها مسئولیتی فراتر از وظیفه‌ی ساده‌ی پول ساختن برای سهام‌داران را برعهده دارند.

لزوم ارائه‌ی گزارش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در گزارش‌های مالی، نظریه‌پردازان این حوزه را به جست و جو برای ویژگی‌های گزارش‌گری مطلوب در مورد مسئولیت‌های اجتماعی برانگیخته است که در این راستا، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، متخصصان حرفه و مشاوران حسابداری بر رعایت نکات زیر به عنوان ویژگی‌های گزارش‌های اجتماعی مطلوب اشتراک نظر دارند: شفافیت و گویایی، پاسخ‌گویی واقعی و صمیمانه به ذی‌نفع‌ها، در برداشتن رویدادهای و اقدامات منفی در کنار دستاوردهای مثبت، بیان صریح پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی و جامعیت گزارش و انعکاس آثار عملیات شرکت بر جامعه و محیط زیست که از منظر ذی‌نفع‌های

عمده دارای اهمیت است. (مختاریان، ۱۳۸۴)

تعبیر شفافیت و گویایی، در سایه‌ی توجه به مفهوم افشای عینیت می‌یابد. این مفهوم در گزارش‌گری مالی از چنان اهمیتی برخوردار است که به تعبیر بسیاری از نظریه‌پردازان، به عنوان یکی از دو جزو اصلی و لاینفک معاملات مالی تلقی می‌شود. جزو دیگر این معاملات، اندازه‌گیری است که جایگاه آن در گزارش‌گری مالی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، نیازی به توضیح ندارد. در این مقوله، افشای، ابزاری قوی برای اثرگذاری بر شرکت و حمایت از سهام‌داران تلقی شده که با ارتقای شفافیت و کاهش مخاطره، اطمینان بازار را حفظ می‌کند موجب جذب سرمایه‌های جدید می‌شود. اطلاعات به موقع و کامل، از طرفی باعث افزایش تصمیمات مؤثر سهام‌داران ولذا رشد و بازدهی شرکت‌ها شود و از طرف دیگر، افشای مناسب در حیطه‌ی گزارش‌گری مالی، می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان برون سازمانی نشان دهد که عملکرد شرکت تا چه میزان با میثاق‌ها، الزامات قانونی و سایر چارچوب‌های نظام اقتصادی مطابقت دارد و درجه‌ی این تطابق، دورنمای روشنی از تداوم فعالیت شرکت را مشخص خواهد کرد. این مساله، نتیجه‌ی ثانویه‌ی مهمی خواهد داشت که به آن افشای عمومی برای پاسخ‌گویی اجتماعی شرکت گفته می‌شود. هرچه شرکت از طریق افشای کامل، درک درستی از فعالیت‌های خود در خصوص استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی و ارتباط آن با ذی‌نفعان عام ایجاد کند، چشم‌انداز وسیع‌تری از بقای شرکت را ترسیم خواهد کرد. به بیان دیگر، یکی از هدف‌های عمده‌ی گزارش‌گری مالی، افشای لازم و کافی اطلاعات در مورد تصمیم‌گیری‌های شرکت است که تحقق چنین هدفی، مستلزم ارائه‌ی مناسب داده‌های مالی و سایر اطلاعات مربوط خواهد بود. (واک و دیگران، ۲۰۰۴)

کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی ایران (۱۳۸۰) برای تحقق چنین هدفی، بر افشای مناسب، منصفانه و کامل تأکید می‌کند. بر این اساس، واژه‌ی مناسب، کف افشا (حداقل افشا) را تعیین کرده و با این هدف که صورت‌های مالی موجب گمراهی نگردد، سازگار است. دو ویژگی دیگر (منصفانه و کامل)، دارای دیدگاه مثبت‌تری هستند، افشای اطلاعات منصفانه بدین معنی است که هدف مبتنی بر رعایت اصول اخلاقی یا آیین رفتار حرفه‌ای مورد توجه قرارگیرد تا با همه‌ی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به طور یکسان رفتار شود. (استانداردهای حسابداری، مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی، ۱۳۸۰)

نکته‌ی دیگری که در حوزه مباحث نظری گزارش‌گری مالی مطرح است، ارتباط نظریه‌های مالکیت با گزارش‌گری مالی و تاثیر این نظریه‌ها بر شکل و محتوای گزارش‌هاست. وقتی مالکان واحد تجاری - براساس تأکید بسیاری از متون حسابداری - به عنوان یکی از مهم‌ترین - و گاه مهم‌ترین - گروه استفاده‌کننده از گزارش‌گری مالی تلقی می‌شوند و از سوی دیگر، از حق مالکیت در مؤسسه برخوردارند، طبیعی است که تعامل واحد انتفاعی با مالکان و حقوق آنان از عوامل بسیار تأثیرگذار بر گزارش‌گری مالی باشد. به همین دلیل حجم قابل توجهی از ادبیات حسابداری را مباحث نظری مربوط به حقوق مالکیت یا «نظریه‌های مالکیت»^۳ به خود اختصاص داده است و دستاورد کلی آن وجود چند نظریه‌ی معروف و شناخته شده در این زمینه است که انتخاب یک نظریه از بین آن‌ها و تکیه بر آن، شکل و محتوای گزارش‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آن‌جا که این نظریه‌ها بر حقوق صاحبان سرمایه در بنگاه متمرکز هستند و هرکدام، مفهوم محوری «سود» را از منظر همان نظریه تعریف می‌کنند، در تدوین استانداردهای حسابداری و گزارش‌گری سود، مراجع حرفه‌ای تدوین استانداردها، توجه زیادی را به این نظریه‌ها و استدلال در خصوص انتخاب و ترجیح یکی بر دیگری، معطوف داشته و دارند.

درحوزه‌ی مباحث مربوط به نظریه‌های مالکیت، سه نظریه از شهرت و کاربرد بیشتری در حسابداری برخوردار بوده‌اند: نظریه‌ی مالکیت انفرادی^۴، نظریه‌ی شخصیت اقتصادی^۵ یا تفکیک شخصیت و نظریه‌ی وجوه^۶.

نظریه‌ی مالکیت انفرادی، که تاریخچه‌ی آن به اوایل قرن نوزدهم بر می‌گردد، اولین مکتب فکری است که مبنای روش شناسی حسابداری قرار گرفت و دومین نظریه با عنوان نظریه‌ی شخصیت اقتصادی (یا بنگاه اقتصادی)، در اوایل قرن بیستم مطرح و به اقتضای زمان و به تدریج جایگزین مالکیت انفرادی گردید. در نظریه‌ی مالکیت انفرادی، شخص مالک یا مالکان و ثروت آن‌ها در کانون توجه قرار می‌گرفت و گزارش‌گری مالی نیز به وضعیت این ثروت و تغییرات انجام شده در آن می‌پرداخت. با ظهور شرکت‌های سهامی عام و پیچیده شدن ساختار مالکیت، واحد کسب و کار یا بنگاه به عنوان مرکز ثقل گزارش‌گری تلقی می‌شود و از این رو در گزارش‌گری، دارایی‌های بنگاه (ونه مالکین) و ادعاهای مربوط به این دارایی‌ها گزارش می‌شود که مبنای تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی رایج نیز هست. ویلیام واتر^۷ که به پدر نظریه‌ی وجوه معروف است، در اواخر دهه‌ی چهل

می‌لادی، ضمن انتقاد از دو نظریه‌ی شخصیت محور فوق و ارائه‌ی دلایل کافی در مورد نارسایی‌های آن‌ها، نظریه‌ی وجوه را مطرح و در آن، ضمن حذف شخصیت از محوریت نظریه‌ی حسابداری، واحد یا منطقه‌ای از عملیات بنگاه و سازمان را به عنوان مرکز توجه حسابداری معرفی و اولین نظریه‌ی حسابداری عملیات محور (واتر، ۱۹۴۷) را ارائه نمود. به بیان دیگر، در این نظریه، به جای آن که فرایند حسابداری حول محور شخصیت، اعم از حقیقی (مالک) یا حقوقی (بنگاه)، به عنوان کانون توجه گزارش‌گری گردش کند، واحد یا منطقه‌ای از عملیات و فعالیت‌ها، به لحاظ اهمیت و جایگاه برجسته‌ی آن در تحقق اهداف بنگاه به عنوان حساب مستقل (Fund) مرکز و کانون توجه قرار می‌گیرد و دفاتر و گزارش‌های مالی برای آن واحد یا عملیات تهیه می‌گردد. واتر، استفاده از یک نظریه‌ی عمومی واحد در حسابداری را رد و بر مبنای یک دیدگاه خاص، نظریه‌ی وجوه عملیات محور را عرضه نمود. در این رویکرد، شخصیت از نظریه‌ی حسابداری حذف و حسابداری و گزارش‌گری مالی با محور قراردادن عملیات با اهداف مشخص واحد گزارش‌گر، از هرگونه سوگیری نسبت به گروه‌های استفاده‌کننده، مبرا گردید. براین اساس، به نظر می‌رسد که توجه به عملیات، به جای توجه به کلیت واحد اقتصادی، منجر به ارائه‌ی اطلاعات بیشتر و مربوطتری در خصوص برآورده ساختن الزامات پاسخ‌گویی و شفافیت از سوی نظام گزارش‌گری خواهد شد. در این جا باید یادآور شد که اگر چه گزارش‌گری مالی مبتنی بر حساب‌های مستقل، بیشتر در سازمان‌های بخش عمومی رواج یافته است، واتر با ارائه‌ی نمونه‌هایی از صورت‌های مالی مؤسسه‌های انتفاعی نشان می‌دهد که این نظریه به دلیل عملیات محور بودنش، از کارآیی لازم در بخش خصوصی نیز برخوردار است.

مبحث نهایی در حوزه‌ی مبانی نظری گزارش‌گری مالی در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی، به ویژگی‌های عمده‌ی نظام اقتصادی اسلام و بازارهای سرمایه‌ی فعال در کشورهای اسلامی مربوط می‌شود. از آن‌جا که اسلام دینی تلقی می‌شود که تنها به حوزه‌های فردی محصور نمی‌شود و نظام انسجام یافته‌ای را برای زندگی انسان درحوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سایر جنبه‌های زندگی انسان عرضه می‌کند، (حمید، ۲۰۰۰) در این عرصه، مجموعه‌ی کاملی از رهنمودهای اخلاقی حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان از سوی اسلام عرضه می‌شود که از منظر اقتصادی بر دو مفهوم محوری **عدالت**

و احسان استوار است. این دو مفهوم بنیادی بر تمام جنبه‌های اقتصادی زندگی انسان نظارت دارد و در نتیجه، چنین تلقی می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی در اسلام باید برپایه این ارزش‌ها صورت پذیرد. (پایا و شاهدل، ۱۳۸۴)

اسلام با اقتصاد دو پیوند دارد: مستقیم و غیرمستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن رو است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره‌ی مالکیت، مبادلات، مالیات‌ها، ثروت و غیره دارد. پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد نیز از طریق اخلاق است، در این جهت، برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین‌اند. (مطهری، ۱۳۶۸) توصیه‌ی اسلام به عدالت و احسان، به شرح مطالب پیش گفته، در راستای چنین پیوندی با اقتصاد است. به همین ترتیب، می‌توان ارتباط اسلام را با حسابداری که پیوندی ناگسستنی با اقتصاد دارد، مورد بررسی قرار داد. زیرا از یک سو اقتصاد و حسابداری، هر دو نظام‌هایی هستند که مواد اولیه‌ی خود را از منابع مشابهی به دست می‌آورند و از سوی دیگر، اندازه‌گیری بسیاری از مفاهیم اساسی اقتصاد در واقع از طریق عملیات حسابداری میسر است و بسیاری از روش‌های حسابداری نیز به منظور پاسخ‌گویی به سؤالاتی طراحی شده‌اند که اصولاً جنبه‌ی اقتصادی داشته است. برای مثال، مفهوم سود اساساً یک مفهوم حسابداری است که بخش اعظم تلاش حسابداران، برای اندازه‌گیری آن صرف می‌شود. مفهوم سود عیناً از دیدگاه اقتصادی نیز از اهمیت اساسی برخوردار است و به عنوان محرک اصلی نظام بازار تلقی می‌شود و زمینه‌ای برای توجیه رفتارهای بنگاه به شمار می‌رود و از این رو چنین انتظار می‌رود که هدایت منابع به طرف نیازهای گوناگون، براساس سود آوری انجام پذیرد. (ثقفی و فرماندوست حقیقی، ۱۳۸۴)

تلقی اسلام از انسان به عنوان امانت‌دار منابعی که خداوند به او سپرده و جانشین او بر روی زمین به شمار می‌رود، راه ورود به حیطة پاسخ‌گویی و مباشرت را در نظریه‌های حسابداری هموار می‌سازد. ایجاد علاقه در اندیشمندان مسلمان حسابداری نسبت به انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص تأثیر آموزه‌های اسلام بر حسابداری و گزارش‌گری مالی، ریشه در تلقی پیش گفته دارد. مسأله‌ی محوری در پژوهش‌های مربوط به حسابداری اسلامی این است که آیا نظام گزارش‌گری فعلی که در جوامع اسلامی نیز همانند سایر نقاط جهان مورد عمل قرار گرفته، با نیازهای مسلمانان مطابقت دارد یا خیر؟ در این رابطه بایدون و ویلت^۸ بر این عقیده اند که تأثیر اسلام بر حسابداری، به احتمال بسیار زیاد، برجانبه‌ی

افشای در حسابداری است و بر این اساس، مدلی را برای گزارش‌گری مالی اسلامی پیشنهاد داده‌اند.

دلیل اصلی توجه پژوهش‌گران مسلمان حسابداری به گزارش‌گری مالی اسلامی را می‌توان در این نکته دید که هم هدف انعکاس واقعیت‌ها و رویدادها به منظور تصمیم‌گیری اقتصادی و هم هدف ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی، هر دو از طریق گزارش‌گری مالی محقق می‌شود که البته یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آن مفهوم اندازه‌گیری است. تاملی در متون غنی نظریه‌های حسابداری، حکایت از توجه عمیق صاحب‌نظران و پژوهش‌گران به دو مفهوم کلیدی «گزارش‌گری مالی»^۹ و «اندازه‌گیری»^{۱۰} دارد که در متون اقتصادی اسلام نیز در مباحثی در زمینه‌ی مفاهیم مربوط به «شفافیت» و «اندازه‌گیری سود واقعی» مورد توجه اساسی قرار گرفته است.

با توجه به مباحث طرح شده در مبانی نظری به شرح سطور پیشین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به منظور برخورداری از شفافیت کامل (که با برآورده ساختن دو مفهوم محوری افشای کامل و ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی، به ظهور می‌رسد) و همچنین اندازه‌گیری سود واقعی و توزیع عادلانه‌ی آن که مورد تأکید دین مبین اسلام است، باید به مدلی جدید از گزارش‌گری روی آورد و برای دستیابی به این مدل، زیرساخت مناسب را از عمق نظریه‌های حسابداری استخراج کرد. هدفی که این پژوهش، در پی دستیابی به آن است.

۳. پیشنهادی تحقیق

اگرچه پژوهشی که در پی دستیابی به مدل گزارش‌گری مالی اسلامی با استفاده از نظریه‌های موجود در ادبیات حسابداری باشد، تا کنون مشاهده نشده و تحقیق حاضر از این منظر بی سابقه است، اما گروهی از پژوهش‌گران، اندیشمندان و دانشجویان مسلمان حسابداری را می‌توان یافت که در طرح‌های پژوهشی متعددی در جهان، درصدد دستیابی به مدلی از فرایند حسابداری و نظام گزارش‌گری مالی در محیط‌های اقتصادی اسلامی بوده‌اند. به علاوه، برخی از این پژوهش‌گران در پی دستیابی به نظریه‌ی حسابداری مناسبی بوده‌اند که این امر پشتوانه‌ای قوی برای حسابداری اسلامی فراهم آورده است. کامل‌ترین مجموعه‌ی پژوهش‌ها در این رابطه، به وسیله‌ی پژوهش‌گری مالزیایی به نام ملیاه سلیمان^{۱۱}

انجام شده که در طی چندین پژوهش، به نتایج منسجم و قابل اتکایی درخصوص گزارش‌گری مالی اسلامی دست یافته است. نام‌برده، ابتدا در پایان‌نامه‌ی دکتری خود در دانشگاه اوتاگوکشور نیوزیلند که با عنوان «آزمون نظریه‌ی گزارش‌گری مالی اسلامی؛ نمونه‌ی موردی مالزی»^{۱۲} در سال ۱۹۹۷ تدوین گردیده و به دنبال آن در پژوهشی که با عنوان «آزمون مدلی برای گزارش‌گری مالی اسلامی»^{۱۳} به همراه تیلور.دی.دبلیو.^{۱۴} در سال ۲۰۰۰ به انجام رسانده است، فرضیه‌ی عدم کفایت اطلاعات منتشر شده در صورت‌های مالی رایج برای پاسخ‌گویی به استفاده‌کنندگان و پاسخ‌خواهان در جوامع اسلامی را به اثبات رسانده و سپس در جست و جوی طراحی مدلی برای گزارش‌گری مالی بوده تا نواقص مذکور را برطرف نماید.

از آن‌جا که در تحقیق مشابهی، بایدون و ویلت (۲۰۰۰) نیز در نتیجه‌ی آزمون مدل‌های مختلف گزارش‌گری برای نیل به دو اصل «افشای کامل» و «پاسخ‌گویی اجتماعی» مورد تأکید در دین مبین اسلام، به دنبال ارائه‌ی مدلی مشابه مدل مورد جست و جوی ملیا سلیمان بوده‌اند، نتیجه‌ی جست و جوهای مذکور به ارائه‌ی مدلی جامع برای گزارش‌گری مالی اسلامی منجر گردیده است که در آن، صورت ارزش افزوده جایگزین صورت سود و زیان رایج شده و ترازنامه‌ی مبتنی بر ارزش‌های جاری نیز به جای ترازنامه‌ی متداول که مبتنی بر ارزش‌های تاریخی است، پیشنهاد شده است. ملیا سلیمان در سال ۲۰۰۲، طی تحقیقی با عنوان «کاربرد چارچوب نظری هافستد - گری بر اساس استدلال هنجاری، برای بسط گزارش‌گری مالی اسلامی»^{۱۵} که همراه با راجر ویلت انجام داده است، با اشاره به تفاوت‌های محیطی کشورهای اسلامی با کشورهای دیگر و بررسی تأثیر ویژگی‌های محیطی بر گزارش‌گری مالی، پشتوانه‌ی نظری معتبری را برای مدل گزارش‌گری ارائه شده از سوی بایدون و ویلت فراهم آورده و از سوی دیگر، زمینه‌ی بسط مدل مذکور را فراهم آورده است. به گونه‌ای که گزارش‌گری واحد اقتصادی از منظر محیطی و اجتماعی نیز بخشی از مجموعه‌ی گزارش‌های مالی تلقی شده و بدین ترتیب به هدف گزارش‌گری اجتماعی که در جوامع غیر اسلامی نیز مورد تأکید بوده دست یافته است؛ ضمن این که نتیجه‌ی پژوهش مذکور ارائه‌ی شاخص‌هایی برای گزارش‌گری جامع نیز بوده است.

همان‌گونه که اشاره شد، نیل بایدون و راجر ویلت در سال ۲۰۰۰، با نگارش مقاله‌ای پژوهشی «گزارش‌گری مالی اسلامی»^{۱۶} و درج آن در مجله‌ی معتبر ABACUS، با بسط

نظریه‌های مربوط به شکل و محتوای اطلاعاتی که باید در صورت‌های مالی اسلامی انتشار یابند، از جمله با تأکید بر ویژگی «واقعی» و «مطمئن» بودن ارقام حسابداری از یک سو و نیل به دو هدف افشای کامل و پاسخ‌گویی اجتماعی، از سوی دیگر، به ارائه‌ی شکل و محتوای صورت‌های مالی قابل انتشار در محیط‌های اقتصادی اسلامی پرداخته‌اند، به گونه‌ای که اطلاعات مندرج در این صورت‌ها، پاسخ مناسبی به نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان تلقی شود. آزمون مدل ارائه شده از سوی این دو پژوهش‌گر، به وسیله‌ی ملیاه سلیمان، به شرح پیش گفته بر استحکام این مدل افزوده است.

پژوهش مهم دیگری که در این زمینه انجام یافته، پایان‌نامه‌ی دکتری شاهول حمید^{۱۷} در دانشگاه داندی^{۱۸} اسکاتلند است که در سال ۲۰۰۰ و با عنوان «نیاز به حسابداری اسلامی» تدوین شده است. در این پژوهش، با بررسی ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی مورد توجه در جوامع اسلامی و جمع‌آوری نظریات تخصصی حسابداران مسلمان فعال در زمینه‌ی نظریه‌ی حسابداری به ویژه استادان دانشگاه و شاغلان حرفه‌ای برگزیده، ضرورت تدوین نظام کاملی برای حسابداری در جوامع اسلامی به منظور مطابقت با اصول ارائه شده در شریعت اسلام، به اثبات رسیده است. این تحقیق حسابداری رایج را که ریشه در مغرب زمین «انگلو- امریکن»^{۱۹} دارد، فقط پاسخ‌گوی نیازهای سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان دانسته و آن را در پاسخ‌گویی به نیازهای سایر استفاده‌کنندگان، به ویژه نهادهای اجتماعی که به تعبیر وی در «پاسخ‌گویی اسلامی» تجلی می‌یابد، ناتوان شمرده است. پژوهش مذکور برای رفع این نواقص، بر اهمیت ارائه‌ی اطلاعات کیفی در کنار اطلاعات مقدراری تأکید نموده و با انجام تحقیقات رفتاری گوناگون در زمینه‌ی نیازهای استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و عکس‌العمل آنها، به ضرورت «اسلامی کردن حسابداری»^{۲۰} رسیده است. شاهول حمید که در حال حاضر استاد یار دانشگاه اسلامی بین‌المللی مالزی است، با نگارش مقاله‌ای پژوهشی در سال ۲۰۰۴ که با عنوان «اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی»^{۲۱} همراه با ریضال یایا^{۲۲} تهیه و به کنفرانس بین‌المللی حسابداری در کوالالامپور ارائه شده، یافته‌های خود در پایان‌نامه‌ی یاد شده را تکمیل نموده است.

با توجه به این که مفهوم «سود» و محاسبه و گزارش‌گری آن نقش مهمی را در بازارهای پولی نیز - علاوه بر بازارهای مالی - ایفا می‌کند، در حوزه‌ی بانکداری نیز پژوهش‌های متعددی در رابطه با انطباق عملیات بانکداری - به ویژه فعالیت‌های مربوط به

عقد قراردادهای مشارکت، اجاره و غیره - با قوانین طرح شده در شریعت اسلام صورت گرفته است که عمدتاً بر چگونگی محاسبه و توزیع سود بین بانک و مشتری و همچنین تحمل مخاطره از سوی دو طرف متمرکز است. اگر چه نتایج پژوهش‌های مذکور به دلیل ماهیت و اهداف آن‌ها و علایق پژوهش‌گران، بیشتر منجر به ارائه‌ی مدل‌ها، قوانین و ساختارهایی برای عملیات بانکی بدون ربا بوده و از این رو، رابطه‌ی مستقیمی با موضوع تحقیق حاضر ندارد، اما با توجه به وجود نقاط اشتراک مفیدی در رابطه با محاسبه و گزارش‌گری سود، بخش‌هایی از پژوهش‌های مذکور در این تحقیق، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۴. سوال‌های اصلی تحقیق

با توجه به تأکید متون اسلامی بر تحقیق دو مفهوم محوری عدالت و احسان در اقتصاد، نقش حسابداری در کشورهای اسلامی فراتر از نظام تهیه‌ی اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری‌های صرفاً اقتصادی تلقی می‌شود. شمار کثیری از اندیشمندان و پژوهش‌گران مسلمان در حوزه‌ی حسابداری، بر این اعتقاد هستند که نظام حسابداری بایستی زمینه‌ی کافی برای ایفای نقش پاسخ‌گویی اجتماعی را در کشورهای اسلامی فراهم آورد و بدین منظور، از یک سو بر جنبه‌ی افشای کامل و از سوی دیگر بر محاسبه و گزارش سود واقعی در اقتصاد مبتنی بر اسلام تأکید شده است. مراد از سود واقعی، سودی است که بر اساس روش نظام مندی از حسابداری به عنوان نتیجه‌ی تحقق یافته‌ی یک یا چند رشته از عملیات، محاسبه می‌شود. از آن‌جا که «گزارش‌گری مالی» به عنوان تنها ابزار قدرتمند برای دستیابی به هر دو هدف حسابداری، یعنی «ارائه‌ی اطلاعات برای تصمیم‌گیری اقتصادی» و «ایفای مسوولیت پاسخ‌گویی» در تمام محیط‌های اقتصادی تلقی می‌شود و ضرورت نیل به این اهداف در محیط اسلامی ایران نیز بیش از پیش حس می‌گردد، در پژوهش حاضر، تلاش برای یافتن مدلی مناسب برای گزارش‌گری مالی به گونه‌ای است که از یک سو به هدف افشای کامل «که مفهوم افشای واقعی رویدادها را نیز شامل می‌شود» منجر شود و از طرف دیگر، ابزاری مناسب برای پاسخ‌گویی واحدهای اقتصادی به نهادهای پاسخ‌خواه باشد. از این رو در این پژوهش، ابتدا میزان کفایت گزارش‌های مالی رایج - که اصطلاحاً گزارش‌گری بر گرفته از غرب نامیده می‌شود- در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی مورد ارزیابی

قرار می‌گیرد و سپس کوشش می‌شود تا با ارائه‌ی مدلی مناسب برای تهیه و ارائه‌ی گزارش‌های مالی، نقایص احتمالی به دست آمده در مرحله‌ی اول، بر طرف گردد. بر این اساس، سوال‌های بنیادی تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- آیا صورت‌های مالی اساسی رایج، برای پاسخ‌گویی به نیازها و ضرورت‌های بازارهای سرمایه‌ی اسلامی کافی هستند؟
- ۲- مدل مطلوب تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی اساسی در کشورهای اسلامی چیست؟

باید یادآور شد که در راستای دستیابی به هدف اصلی پژوهش که دستیابی به مدل مطلوب گزارش‌گری است، از دیدگاه پژوهش‌گران طرح فرضیه برای تحقیق حاضر ضرورتی ندارد و اهم تلاش محققان صرف پاسخ‌گویی به سوال‌های اصلی و طراحی مدل شده است.

۵. روش‌شناسی تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش حاضر و ضرورت به کارگیری ابزار مناسب برای سیاست‌گذاری و پیش‌بینی، روش دلفی به عنوان مهم‌ترین ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق انتخاب شده است تا با اجماع نظر جمعی موافق در خصوص عوامل کلیدی مؤثر بر گزارش‌گری مالی مطلوب برای بازارهای سرمایه‌ی اسلامی، زمینه‌ی لازم برای طراحی مدل مطلوب فراهم شود. به همین منظور پرسش‌نامه‌ای حاوی ۴۱ سوال تنظیم شد که علل تأثیر و یا ویژگی‌های هرکدام از عوامل چهارگانه (شفافیت پاسخ‌گویی، شفافیت - افشای کافی، گزارش سود واقعی - محاسبه‌ی سود و گزارش سود واقعی - توزیع عادلانه‌ی سود) را تشریح می‌نماید. اعضای گروه دلفی که از بین متخصصان، صاحب‌نظران و صاحبان تجربه انتخاب گردیدند، بالغ بر ۱۲۰ نفر بوده‌اند که در چهار گروه شامل اعضای هیات علمی گروه‌های حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌ها، مدیران و کارشناسان ارشد شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ، مدیر عاملان و اعضای هیات مدیره شرکت‌های کارگزاری و همچنین مدیران و کارشناسان ارشد سازمان بورس و اوراق بهادار، طبقه‌بندی شدند. بدیهی است از آن‌جا که هدف اصلی پژوهش حاضر به جای آن که مطالعه‌ی رفتار متغیرهایی خاص و یا رد و اثبات باشد، دستیابی به مدل مورد نظر گزارش‌گری است، تدوین فرضیه

برای پاسخ‌گویی به سوال‌های اساسی تحقیق ضرورت نداشته و این مهم با تنظیم پرسش‌نامه عملی شده است.

پرسش‌نامه به نحوی تنظیم شده بود که اعضای گروه دلفی ابتدا اظهارنظر موافق یا مخالف خود را درخصوص سوال طرح شده ارائه می‌کردند و میزان موافقت یا مخالفت را در پیوستاری که از صفر تا ۹ درجه بندی شده بود، اعلام می‌نمودند و سپس وضعیت عامل مورد نظر را در صورت‌های مالی رایج نیز ارزیابی می‌کردند و در پیوستاری مشابه درج می‌نمودند.

بدین ترتیب، روش اجرای تحقیق حاضر، مراحل مطالعه‌ی مبانی نظری تحقیق به منظور شناسایی عوامل کلیدی موثر بر گزارش‌گری مالی مطلوب و پیشنهاد آن‌ها در قالب پرسش‌نامه، توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ی تکمیلی از سوی اعضای گروه دلفی و نهایتاً ارزیابی نتایج تحقیق و طراحی مدل پیشنهادی بر مبنای عوامل کلیدی مورد اجماع اعضای گروه دلفی را دربر می‌گیرد.

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی نتایج

به شرح آنچه در بخش قبل بیان شد، برای کسب نظر متخصصان و خبرگان، اقدام به انتخاب ۱۲۰ نفر به عنوان اعضای گروه دلفی و توزیع پرسش‌نامه بین آنان گردید که نهایتاً ۸۵ نفر، پرسش‌نامه‌های ارسالی را تکمیل و تحویل نمودند. ۷ نفر از اعضا به دلیل عدم تمایل به اظهار نظر، پرسش‌نامه‌های ارسالی را بدون پاسخ عودت دادند و ۲۸ نفر نیز نسبت به تکمیل و استرداد پرسش‌نامه اقدامی ننمودند و از این رو، ۳۵ پرسش‌نامه بدون پاسخ تلقی و تجزیه و تحلیل در مورد ۸۵ پرسش‌نامه‌ی دریافتی که بالغ بر ۷۰ درصد پاسخ‌های ارسالی را تشکیل می‌داد، انجام گردید.

اگرچه در هر گروه نیز افراد متفاوتی با خصوصیات کلی و مشابه شرکت داشتند، پاسخ دهندگان به پرسش‌ها را می‌توان در دو گروه کلی دسته بندی کرد:

گروه اول که تعداد آن‌ها به ۴۷ نفر می‌رسد آن دسته از خبرگانی هستند که با مبانی نظری گزارش‌گری مالی آشنایی کامل دارند و در این خصوص صاحب نظر هستند که این گروه شامل اعضای هیات علمی عضو گروه‌های حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌ها و همچنین مدیران ارشد بورس اوراق بهادار است. گروه دوم که ۳۸ نفر را دربردارد، متشکل

از فعالان بازار سرمایه، مدیران و کارشناسان ارشد شرکت‌های سرمایه‌گذاری و همچنین شرکت‌های کارگزاری بوده که عمدتاً از تجربه‌ی کافی در استفاده از گزارش‌های مالی در تجزیه و تحلیل شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار و تصمیم‌گیری برای خرید یا واگذاری سهام، برخوردار هستند. به عبارت دیگر، گروه اول از دیدگاه نظری و تئوریک بیشتری نسبت به گروه دوم برخوردارند و گروه دوم نیز از تجربه‌ی عملی بیشتری در بازار سرمایه برخوردار هستند. طبق اطلاعات جمع‌آوری شده، بیش از ۵۹ درصد افراد پاسخ‌دهنده دارای مدرک دکتری و بالغ بر ۳۱ درصد آن‌ها فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند و بیش از ۸۰ درصد آن‌ها دارای تجربه‌ی تدریس دانشگاهی و تماماً برخوردار از تجربه‌ی مفید در بازار سرمایه هستند.

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی تحقیق نیز ذکر گردید، براساس مطالعات انجام گرفته و بررسی مبانی نظری گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی، به طور کلی ۲۳ عامل به عنوان عوامل مؤثر بر گزارش‌گری مالی در محیط‌های اسلامی مورد شناسایی واقع شده و برای تعیین مؤثربودن یا نبودن آن‌ها و همچنین میزان این تأثیر، از طریق طرح ۴۱ سوال در پرسش‌نامه‌ی تنظیمی، اقدام به نظرخواهی از افراد متخصص گردید تا تأثیر هرکدام از این عوامل به طور شفاف و صریح مشخص گردد. نگاهی اجمالی به اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان با انعکاس عوامل مورد نظر در گزارش‌های مالی قابل‌ارائه در بازارهای سرمایه اسلامی موافقت داشته‌اند. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به لزوم اعلام شدت موافقت یا مخالفت از سوی پاسخ‌دهندگان، اکثر اعضای هر دو گروه پاسخ‌دهنده، برای نظرات موافق خود امتیاز بالاتر از ۶ (در دامنه‌ی صفر تا ۹) را انتخاب نموده‌اند که این پدیده نشان‌دهنده‌ی میزان تأثیر و اهمیت عامل مورد نظر در گزارش‌های مالی در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی است.

تجزیه و تحلیل آماری پاسخ‌های ارائه شده از طرف اعضای گروه دلفی براساس آزمون‌های آماری زیر صورت گرفته است:

۱.۶. آزمون دو جمله‌ای

از آن‌جا که سوالات پرسش‌نامه با پاسخ‌های موافق و مخالف مشخص شده‌اند، در گام نخست، برای تحلیل پاسخ‌ها از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. با توجه به این‌که برای

اطمینان از اعمال دقت کافی در تکمیل پرسش‌نامه از سوی پاسخ‌دهندگان، سه سوال کنترلی نیز مطرح شده بود و از این رو انتظار می‌رفت که اگر فردی به سوال قبلی پاسخ موافق داده، به سوال کنترلی مربوط به آن پاسخ مخالف دهد، در آزمون دو جمله‌ای نیز انتظار چنین بود که در این سه مورد، اجماع به صورت مخالف باشد. طبق نتایج ارائه شده، اعضای هر دو گروه با ۳۶ مورد از سوال‌های طرح شده کاملاً موافق و با دو مورد کاملاً مخالف بوده‌اند و در مورد سه سوال (که یکی از آن‌ها سوال کنترلی است) نیز تعداد موافقان و مخالفان تفاوت معنی‌داری نداشته است.

با توجه به نتایج به دست آمده، از آن‌جا که تنها در دو مورد تعداد موافقان و مخالفان نسبتاً برابر بوده و بر اساس عوامل کلیدی طبقه‌بندی شده از اهمیت قابل توجهی برای تکرار دور دوم دلفی برخوردار نبودند، از تکرار دور دوم دلفی صرف‌نظر شد و از جمع عوامل مؤثر در گزارش‌گری مالی مناسب برای بازارهای سرمایه اسلامی حذف شدند.

۲.۶. آزمون t یک نمونه‌ای در خصوص نظرهای موافق و مخالف

برای ارزیابی شدت موافقت یا مخالفت اعضای گروه دلفی با سوالات پرسش‌نامه، از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده گردید. بدین ترتیب که بر اساس اعداد مشخص شده در پیوستار مربوط به هر سوال که از صفر تا نه تعیین گردیده و از سوی پاسخ‌دهنده انتخاب شده است، در صورتی که مقدار t محاسبه شده از عدد $1/64$ بیشتر باشد، میزان موافقت یا مخالفت شدید است و با امتیاز $4/5$ (که میانگین اعداد مندرج در پیوستار است) تفاوت معنی‌داری دارد و در غیر این صورت، میزان موافقت یا مخالفت از شدت زیادی برخوردار نخواهد بود.

نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که کلیه‌ی مقادیر به دست آمده برای t، به مراتب بالاتر از $1/64$ بوده (حداقل $4/084$ و حداکثر $24/31$) و از این رو می‌توان گفت که پاسخ‌دهندگان نسبت به موارد طرح شده با اطمینان بالایی اظهار نظر نموده‌اند.

۳.۶. آزمون t یک نمونه‌ای برای ارزیابی وضعیت رایج

با توجه به این که در پرسش‌نامه‌ی تنظیمی، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که علاوه بر اظهار نظر موافق یا مخالف نسبت به عوامل مؤثر در گزارش‌گری مالی در بازارهای سرمایه‌ی کشورهای اسلامی، وضعیت موجود آن عامل را در صورت‌های مالی رایج در ایران - که هم‌اکنون بر اساس استانداردهای ملی حسابداری تهیه و ارائه شده و

مورد قبول سازمان بورس و اوراق بهادار هستند- مورد ارزیابی و اظهار نظر قرار دهند، آزمون t برای ارزیابی وضعیت رایج نیز اجرا گردید. از آنجا که هدف نهایی این تحقیق ارائه‌ی مدلی پیشنهادی برای گزارش‌گری مالی مناسب در بازار سرمایه‌ی اسلامی است، از این رو در صورتی که اعضای گروه دلفی با میزان اثرگذاری یک عامل موافق باشند و ضرورت انعکاس آن عامل را در صورت‌های مالی تشخیص دهند، باید نسبت به وضعیت موجود آن عامل در صورت‌های مالی رایج با تخصیص امتیاز در پیوستار دوم اظهار نظر نمایند. تخصیص امتیاز بالاتر از ۴/۵ در پیوستار مربوط به وضعیت موجود، نشان دهنده‌ی آن است که عامل مورد نظر در حال حاضر در صورت‌های مالی رایج وجود دارد و تخصیص امتیاز کم‌تر از ۴/۵ به این عامل، به معنی عدم انعکاس آن عامل در صورت‌های مالی رایج خواهد بود و باید در مدل پیشنهادی مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

نتایج حاصل از این آزمون، نشان می‌دهد که در مورد ۱۶ عامل، بین وضع موجود و مدل مطلوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این عوامل در صورت‌های مالی رایج حضور ندارد و به همین دلیل بایستی در مدل مطلوب گزارش‌گری در بازارهای سرمایه‌ی اسلامی به نحو مناسبی ملحوظ گردد. عوامل مذکور از قرار زیرند:

۱. اطلاعات مربوط به کارآیی روش‌های مصرف منابع در جهت اهداف سازمان؛
۲. اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی روش‌های مصرف منابع در جهت تحقق اهداف سازمان؛

۳. اطلاعات مربوط به تأثیر فعالیت‌های سازمان بر محیط زیست؛
۴. اطلاعات مربوط به تأثیر فعالیت‌های سازمان بر رفاه اجتماعی؛
۵. اطلاعات مربوط به تأثیر فعالیت‌های سازمان بر رشد اقتصادی و توسعه کشور؛
۶. اطلاعات مربوط به ترکیب مالکان اصلی شرکت و جنبه‌های شخصی و اقتصادی آنها، از جمله سوابق کار، تحصیلات و سایر سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از سوی مالکان؛
۷. افشای صریح وضعیت مالی شرکت از طریق ترازنامه، براساس ارزش‌های جاری؛
۸. تفکیک دارایی‌های شرکت برحسب دارایی‌های مولد ارزش افزوده و دارایی‌های غیرمولد؛

۹. گزارش شاخص‌های عملکردی سازمان، نظیر کارآیی و اثربخشی، علاوه بر افشای نتایج عملکرد در صورت سود و زیان؛

۱۰. تهیه صورت ارزش افزوده و افشای چگونگی توزیع درآمد در آن، علاوه بر تهیه‌ی صورت سود و زیان؛
۱۱. افشای عوامل مؤثر بر تغییرات ارزش ایجاد شده در ترازنامه به تفکیک؛
۱۲. تفکیک مطالباتی که به صورت قرض الحسنه و فاقد کارمزدند از مطالباتی که دارای کارمزد ثابت هستند و تفکیک آن‌ها از مطالباتی که ماهیت مشارکت دارند و بدهکار، سهمی از سود مربوط به مشارکت را پرداخت می‌نمایند؛
۱۳. تفکیک بدهی‌هایی که به صورت قرض الحسنه و فاقد کارمزد است از بدهی‌هایی که دارای کارمزد ثابت است و تفکیک آن‌ها از بدهی‌هایی که ماهیت مشارکت دارند و بستان‌کار سهمی از سود مربوط به مشارکت را کسب می‌نمایند؛
۱۴. تشریح کامل اجزای تشکیل دهنده‌ی حقوق صاحبان سهام در گزارش‌های مالی، از جمله تفکیک سهام‌داران حقوقی از حقیقی؛
۱۵. افشای اطلاعات مربوط به سود انباشته‌ی شرکت از جمله تجزیه‌ی سنی ایجاد آن و برنامه‌ی شرکت برای استفاده از آن؛
۱۶. افشای کمک‌های بلاعوض، اعانه‌ها و پرداخت‌ها به مؤسسات خیریه، بهزیستی و غیره.
- نتایج آزمون در مورد ۸ سوال زیر، نشان می‌دهد که بین وضع موجود و مطلوب عوامل طرح شده در این سوال‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و از این رو صورت‌های مالی رایج از نظر انطباق با مدل مطلوب در خصوص عوامل مورد نظر در این سوالات، از کفایت لازم برخوردار است
۱. اطلاعات مربوط به منبع و محل تحصیل منابع مالی سازمان؛
 ۲. اطلاعات مربوط به هزینه‌ی تحصیل منابع مالی سازمان؛
 ۳. اطلاعات مربوط به رعایت الزامات قانونی در انجام فعالیت‌های مالی و کسب و کار؛
 ۴. افزایش اطمینان در مورد محاسبه‌ی صحیح و گزارش سود واقعی با تکیه بر اظهار نظر مطلوب حسابرس در خصوص صورت سود و زیان شرکت؛
 ۵. عدم گزارش سود واقعی در صورت اتخاذ سیاست هموارسازی سود و اجتناب از آن؛

۶. گزارش‌گری سودهای حاصل از رشته فعالیت‌های متفاوت در شرکت‌هایی که در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌نمایند به تفکیک هر یک از رشته فعالیت‌ها؛
۷. تفکیک سود شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ، برحسب سود سهام دریافتی از شرکت‌های سرمایه‌پذیر، سود حاصل از خرید و فروش سهام و سود حاصل از خرید و فروش کالاها و خدمات؛
۸. عادلانه بودن توزیع سود با رعایت قانون تجارت ایران در توزیع سود.
- نتایج آزمون در ۸ مورد، به شرح زیر نیز نشان می‌دهد که عوامل مورد نظر در این سوال‌ها، اگرچه در صورت‌های مالی رایج وجود داشته لیکن برای رسیدن به وضعیت مطلوب، نیاز به تقویت افشای وجود دارد:
- اطلاعات مربوط به نتایج حاصل از به کارگیری منابع در جهت تحقق اهداف سازمان؛
 - اطلاعات مربوط به رعایت الزامات شرعی در انجام فعالیت‌های کسب و کار؛
 - افشای اطلاعات مربوط به مشخصات کامل تعهدات بلندمدت، تجزیه‌ی سنی آنها، وثایق و غیره؛
 - افشای دلایل ایجاد اندوخته‌ها، زمان ایجاد آنها و برنامه‌ی شرکت برای استفاده از آنها در آینده؛
 - عدم ضرورت تصریح رعایت حدود و الزامات شرعی و قانونی و کفایت اتکاء به گزارش‌های حسابرسی؛
 - عدم امکان محاسبه‌ی دقیق‌تر سود نسبت به آنچه براساس استانداردهای حسابداری محاسبه می‌شود؛
 - لزوم انعکاس هزینه‌های مالی به عنوان یکی از اقلام توزیع سود؛
 - محاسبه‌ی تفاوت ارزش روز طرح در پایان هر دوره با ارزش آن در ابتدای همان دوره به عنوان سود واقعی به جای محاسبه‌ی سود بر اساس روش درصد پیشرفت یا روش تکمیل کار.
۴. ۶. آزمون یک نمونه‌ای و دو نمونه‌ای کولموگروف - اسمیرنوف
- از آن‌جا که در پژوهش حاضر، تعیین میزان شدت موافقت یا مخالفت پاسخ دهندگان در پیوستار مربوط به هر سوال با تعیین کردن یکی از اعداد صفر تا ۹ خواسته

شده، برای آزمون یک‌نواختی یا عدم یک‌نواختی توزیع نمونه‌ها، از آزمون یک نمونه‌ای کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. براساس این آزمون، در صورتی که در توزیع میزان موافقت یا مخالفت، یک‌نواختی وجود داشته باشد، به معنی عدم حصول اجماع است و در غیر این صورت - یعنی عدم یک‌نواختی توزیع، اجماع حاصل است.

نتایج حاصل از آزمون نشان دهنده‌ی آن است که مقدار Z محاسبه شده در مورد تمامی پاسخ‌های موافق و مخالف، بیانگر عدم یک‌نواختی توزیع است و از این رو، اجماع خبرگان در مورد سوالات طرح شده حاصل شده است.

از طرف دیگر، با توجه به این که اعضای گروه دلفی در پژوهش حاضر به دو گروه مستقل صاحب‌نظران و صاحبان تجربه تقسیم شده‌اند، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف دو نمونه‌ای استفاده شده تا معلوم شود که آیا دو گروه نمونه‌ی مستقل، هر دو از یک جامعه‌ی آماری (و یا از دو جامعه‌ی آماری با توزیع یکسان) استخراج شده‌اند یا نه. به عبارت دیگر، از این آزمون برای مقایسه‌ی نظرات گروه‌های اول و دوم استفاده شده است. نتایج استخراج شده از این آزمون نیز نشان می‌دهد که بین نظرات گروه‌های اول و دوم، چه در مورد پاسخ‌های موافق و چه در مورد پاسخ‌های مخالف، تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و این نتیجه به قوت اجماع حاصل شده می‌افزاید.

۵.۶. آزمون t زوجی

با توجه به این که در پرسش‌نامه‌ی تنظیمی، علاوه بر این که از پاسخ دهندگان خواسته شده بود نظر موافق یا مخالف خود را با مفاد هر سوال بیان نمایند، از آنان درخواست شده بود که میزان رعایت یا وجود عامل مطرح شده در سوال را در شرایط فعلی و در صورت‌های مالی رایج نیز مشخص نمایند؛ از آزمون t زوجی برای مقایسه‌ی وضعیت رایج با میزان شدت موافقت (یعنی لزوم تعبیه‌ی عامل مورد نظر در صورت‌های مالی) که از آن می‌توان به وضعیت مطلوب یاد کرد، استفاده شده است.

براساس نتایج حاصل از این آزمون نیز، t به دست آمده نشان‌دهنده‌ی این است که در کلیه‌ی موارد بایستی انعکاس عامل مورد نظر در گزارش‌های مالی ارتقا یابد تا صورت‌های مالی رایج به صورت‌های مالی مطلوب در بازار سرمایه‌ی اسلامی تبدیل گردد.

۷. طراحی مدل

پس از مرور نتایج به دست آمده در طی مراحل اول و دوم پژوهش، به طراحی مدل که مرحله‌ی سوم پژوهش است، اقدام گردید. از آنجا که در مرحله‌ی اول تحقیق، مبانی نظری مربوط به گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی مورد مطالعه و بررسی تفصیلی واقع گردیده و براساس نتایج حاصل از آن، اقدام به استخراج عوامل موثر بر گزارش‌گری مالی اسلامی و مدل مطلوب این نوع گزارش‌گری گردیده و به شرح آنچه در صفحات قبل ذکر شد مورد تایید اعضای گروه دلفی قرار گرفت که در چهار گروه شفافیت - پاسخ‌گویی، شفافیت - افشای کافی، گزارش سود واقعی - محاسبه‌ی سود و گزارش سود واقعی - توزیع عادلانه‌ی سود، قابل طبقه‌بندی است.

با توجه به آنچه در مبانی نظری نیز ذکر گردید و براساس سوال‌های طرح شده در پرسش‌نامه نیز مورد تایید قرار گرفت، «گزارش‌های وجوه»^{۳۳} که براساس نظریه‌ی وجوه پیشنهاد شده است، به دلیل تمرکز بر رشته عملیات و تفکیک منابع و مصارف مربوط به هرکدام از آن‌ها، به عنوان جایگزین صورت‌های مالی رایج می‌تواند برآوردکننده‌ی نیازهای بازار سرمایه‌ی اسلامی در زمینه‌ی پاسخ‌گویی، افشای کافی و محاسبه و توزیع عادلانه و سود واقعی باشد و با افزودن ترازنامه براساس ارزش‌های جاری و صورت ارزش افزوده به عنوان مجموعه‌ی کاملی از گزارش‌های مالی قابل ارائه در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین مدل مورد نظر این پژوهش به عنوان مدل مطلوب برای گزارش‌گری مالی در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی شامل دو بخش صورت‌های مالی قابل ارائه براساس نظریه وجوه و ترازنامه مبتنی بر ارزش‌های جاری و صورت ارزش افزوده خواهد بود.

با توجه به مطالب پیشین و با در نظر گرفتن این‌که این پژوهش در حوزه‌ی شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگ انجام می‌شود، بدیهی است که مدل مورد نظر تحقیق باید متضمن ارائه‌ی اطلاعات کاملتر و جامع‌تری در خصوص وضعیت مالی و همچنین عملکرد این شرکت‌ها در حوزه فعالیت‌های اصلی آن‌ها باشد. براین اساس و با توجه به این‌که فعالیت‌های اصلی این شرکت‌ها عمدتاً در چهار گروه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری (مربوط به خرید و فروش روزانه‌ی سهام در بورس و فرابورس)، فعالیت‌های اداری شرکت‌ها (اعمال مدیریت در شرکت‌های سرمایه‌پذیری که شرکت مادر به منظور کنترل و اداره‌ی

آن‌ها، اقدام به سرمایه‌گذاری با افق بلندمدت نموده)، فعالیت‌های مدیریت سبد سهام (تشکیل و اداره‌ی سبد سهام و صدور اوراق مشارکت در سبد مذکور) و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه، قابل طبقه‌بندی است، از این روی مدل مطلوب این پژوهش در چهار حساب مستقل^{۲۴} جداگانه برای فعالیت‌های اصلی چهارگانه‌ی فوق قابل تعریف است که صورت‌های مالی زیر برای آنها قابل ارائه خواهد بود:

۱. صورت وضعیت مالی فعالیت‌های اصلی؛
۲. گزارش عملکرد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری؛
۳. گزارش عملکرد فعالیت‌های اداره‌ی شرکت‌ها؛
۴. گزارش عملکرد فعالیت‌های مدیریت سبد سهام؛
۵. صورت ارزش افزوده؛
۶. ترازنامه‌ی مبتنی بر ارزش‌های جاری؛
۷. یادداشت‌های تکمیلی همراه.

با توجه به اطلاعات پایه‌ای که از صورت‌های مالی رایج یک شرکت سرمایه‌گذاری به عنوان «شرکت نمونه» استخراج گردید، به تهیه‌ی صورت‌های مالی مطلوب از دیدگاه مدل مورد نظر اقدام گردید که به طور خلاصه و به شرح زیر، قابل ارائه هستند:

۱. ۷. صورت وضعیت مالی فعالیت‌های اصلی

در این صورت مالی، وضعیت منابع، درایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق مالکیت مربوط به هرکدام از فعالیت‌های اصلی شرکت و در قالب یک حساب مستقل به تفکیک بیان می‌شود. از آن‌جا که با توجه به ماهیت و هدف فعالیت‌های شرکت‌های سرمایه‌گذاری، تدوین ضوابط و محدودیت‌هایی نیز برای هرکدام از رشته فعالیت‌ها انجام شده است، صورت مذکور، بیان‌کننده محدودیت‌های مربوط به هرکدام از دارایی‌ها نیز هست که دقیقاً با تعریف معادله‌ی اصلی حسابداری از دیدگاه نظریه‌ی وجوه (دارایی‌ها = محدودیت‌ها) سازگار است. در زیر برای رعایت اختصار، ابتدا صورت وضعیت مالی جداگانه برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و در صفحه‌ی بعد، صورت ترکیبی وضعیت مالی حاوی فعالیت‌های اصلی چهارگانه، به منظور ارائه‌ی تصویری جامع از این صورت وضعیت‌ها، ارائه گردیده است.

شرکت نمونه

صورت وضعیت مالی

حساب مستقل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری

در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۳۸۶

۱۳۸۶/۹/۳۰	بدهی‌ها	۱۳۸۶/۹/۳۰	دارایی‌ها:
	بدهی‌های جاری:	ریال	دارایی‌های جاری:
۴۰,۶۷۱	سود سهام پرداختنی	۲۴,۰۴۷	وجوه نقد
۱,۲۵۳	حساب‌ها و اسناد پرداختنی	۲۶۲,۶۵۸	سرمایه‌گذاری کوتاه مدت
۱۲,۷۶۳	وام کوتاه مدت	۲۵,۴۱۲	سود سهام دریافتنی
۵۴,۶۸۷	جمع بدهی‌های جاری	-	حساب‌های دریافتنی
		-	پیش پرداخت
		۳۱۲,۱۱۷	جمع دارایی‌های جاری
	بدهی‌های غیر جاری:		دارایی‌های غیر جاری:
-	وام بلند مدت	-	سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت
۵۳۴	ذخیره‌ی مزایای پایان خدمت	-	حساب‌های دریافتنی بلند مدت
۵۳۴	جمع بدهی‌های غیر جاری	۱,۱۷۴	مدت
		۱۳۵	دارایی‌های ثابت مشهود
۵۵,۲۲۱	جمع بدهی‌ها	۱,۳۰۹	دارایی‌های ثابت نامشهود
			جمع دارایی‌های غیر جاری
۱۰/۰۰۰	سرمایه		
-	اندوخته‌ی قانونی		
۱۲۴,۸۳۵	اندوخته‌ی سرمایه‌ای		
-	اندوخته‌ی مخصوص		
۱۲۳,۳۷۰	سود انباشته		
۲۴۸,۲۰۵			
۳۱۳,۴۲۶	جمع بدهی‌ها و سرمایه	۳۱۳,۴۲۶	جمع دارایی‌ها

شرکت نمونه
صورت ترکیبی وضعیت مالی فعالیت‌های اصلی
برای سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۶

جمع	طرح‌ها و پروژه‌ها	مدیریت سید سهام	اداره شرکت‌ها	فعالیت‌های سرمایه‌گذار	
۵۲,۳۴۷	-	۱۱,۰۶۹	۱۷,۲۳۱	۲۴,۰۴۷	وجوه نقد
۳۰۶,۵۸۹	-	۴۳,۹۳۱	-	۲۶۲,۶۵۸	سرمایه‌گذاری کوتاه مدت
۱,۴۸۳,۱۸۸	-	۲,۷۲۵	۱,۴۵۵,۰۵۱	۲۵,۴۱۲	سود سهام دریافتنی
۸۰۴,۱۱۰	-	-	۸۰۴,۱۱۰	-	حساب‌های دریافتنی
۱۲۱,۰۱۱	۱۲۱,۰۱۱	-	-	-	پیش پرداخت
۲,۷۶۷,۲۴۵	۱۲۱,۰۱۱	۵۷,۷۲۵	۲,۲۷۶,۳۹۲	۳۱۲,۱۱۷	
۹,۵۱۷,۶۸۱	۶۸۵,۲۸۷	-	۸,۸۳۲,۳۹۴	-	سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت
۲,۴۱۷,۸۳۹	-	-	۲,۴۱۷,۸۳۹	-	حساب‌های دریافتنی بلندمد
۵,۳۸۰	۶۸۵	-	۳,۵۲۱	۱,۱۷۴	دارایی‌های ثابت مشهود
۵۴۰	-	-	۴۰۵	۱۳۵	دارایی‌های ثابت نامشهود
۱۱,۹۴۱,۴۴۰	۶۸۵,۹۷۲	-	۱۱,۲۵۴,۱۵۹	۱,۳۰۹	
۱۴,۷۰۸,۶۸۵	۸۰۶,۹۸۳	۵۷,۷۲۵	۱۳,۵۳۰,۵۵۱	۳۱۳,۴۲۶	
۵۶۵,۰۷۴	-	۷,۷۲۵	۵۱۶,۶۷۸	۴۰,۶۷۱	سود سهام پرداختنی
۲۲۵,۵۳۵	۱۲۳,۷۴۰	۵۰,۰۰۰	۵۰,۵۴۲	۱,۲۵۳	حساب‌ها و اسناد پرداختنی
۴۶۱,۷۱۰	۲۸۸,۲۳۵	-	۱۶۰,۷۱۲	۱۲,۷۶۳	وام کوتاه مدت
۱,۲۵۲,۳۱۹	۴۱۱,۹۷۵	۵۷,۷۲۵	۷۲۷,۹۳۲	۵۴,۶۸۷	
۳۴۶,۱۹۷	۲۳۷,۸۲۱	-	۱۰۸,۳۷۶	-	وام بلند مدت
۲,۱۳۸	-	-	۱,۶۰۴	۵۳۴	ذخیره مزایای پایان خدمت
۳۴۸,۳۳۵	۲۳۷,۸۲۱	-	۱۰۹,۹۸۰	۵۳۴	
۶,۰۷۵,۰۰۰	-	-	۶,۰۶۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	سرمایه
۵۸۷,۹۱۳	-	-	۵۸۷,۹۱۳	-	اندوخته‌ی قانونی
۳,۹۷۵,۲۲۵	-	-	۳,۸۵۰,۳۹۰	۱۲۴,۸۳۵	اندوخته‌ی سرمایه‌ای
۲۸۱,۸۴۵	-	-	۲۸۱,۸۴۵	-	اندوخته‌ی مخصوص
۲,۱۸۸,۰۴۸	۱۵۷,۱۸۷	-	۱,۹۰۷,۴۹۱	۱۲۳,۳۷۰	سود انباشته
۱۳,۱۰۸,۰۳۱	۱۵۷,۱۸۷	-	۱۲,۶۹۲,۶۳۹	۲۵۸,۲۰۵	
۱۴,۷۰۸,۶۸۵	۸۰۶,۹۸۳	۵۷,۷۲۵	۱۳,۵۳۰,۵۵۱	۳۱۳,۴۲۶	

۷.۲. گزارش عملکرد فعالیت‌های اصلی

در گزارش عملکرد فعالیت‌های اصلی که به تفکیک برای هرکدام از فعالیت‌های اصلی تهیه می‌شود، سود یا زیان حاصل از هرکدام از فعالیت‌ها از طریق مقایسه‌ی درآمدها و هزینه‌هایی که به هر فعالیت تخصیص یافته است و از نظر کیفیت نیز مورد تفکیک و

افشای واقع شده گزارش می‌شود. به عنوان مثال، در گزارش عملکرد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، عملکرد شرکت در زمینه‌ی فعالیت‌هایی که به منظور کسب سود در قالب خرید و فروش اوراق بهادار (با افق کوتاه مدت) صورت می‌پذیرد، گزارش می‌شود. از آنجا که در انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت سرمایه‌گذاری قصد اعمال مدیریت بر شرکت‌های سرمایه‌پذیر را نداشته و تنها کسب سود از طریق خرید و فروش روزانه‌ی سهام یا سود سهام دریافتی از محل سهام خریداری شده را دارد، منابع وجوه مربوط به این فعالیت‌ها شامل سرمایه‌ی اولیه شرکت، تسهیلات کوتاه مدت بانکی و سود حاصل از خرید و فروش سهام و سایر اوراق بهادار است و البته گاه ممکن است وجوهی از محل عواید حاصل از فعالیت‌های اداره‌ی شرکت‌ها نیز به این حوزه‌ی فعالیت انتقال یابد. بدین ترتیب، در این صورت عملکرد، فعالیت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری بلند مدت مورد توجه قرار نگرفته و عموماً سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت، مجوز گزارش‌گری است.

در این صورت مالی، ابتدا درآمدهای حاصل از سود سهام دریافتی، فروش سهام و همچنین سود اوراق مشارکت، به تفکیک و به منظور ارائه‌ی تصویری بهتر، گزارش شده و سپس هزینه‌های مربوط به خرید و فروش سهام و همچنین هزینه‌های کارشناسی و پرسنلی خرید و فروش سهام از آن کسر می‌گردد و نهایتاً سهمی از هزینه‌های عمومی نیز (با توجه به این که این فعالیت‌ها در محلی مشترک با سایر فعالیت‌های شرکت انجام می‌پذیرد) به این رشته از فعالیت‌ها تخصیص داده می‌شود. نمونه‌ای از گزارش عملکرد سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های اصلی که اختصاص به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری دارد در صفحه‌ی بعد ارائه شده است. بدیهی است که این گزارش، همانند شکل ارائه شده‌ی زیر، برای فعالیت‌های اداره‌ی شرکت‌ها، سبد گردانی و طرح‌ها و پروژه‌ها نیز بایستی تهیه گردد.

شرکت نمونه

گزارش عملکرد حساب مستقل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری

برای سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۶

میلیون ریال	میلیون ریال	
۴۲,۰۲۵		درآمد سرمایه‌گذاری در سهام
۳,۵۵۵		درآمد سرمایه‌گذاری اوراق مشارکت
۱۴,۶۲۵		درآمد خرید و فروش سهام
۶۰,۲۰۵		جمع درآمدها
		کسر می‌شود:
	۳,۷۹۷	هزینه‌های فروش سهام
	۷,۹۷۵	هزینه‌های عمومی و اداری
	۱,۲۱۸	خالص سایر درآمدها (هزینه‌های عملیاتی)
(۱۲,۹۹۰)		
۴۷,۲۱۵		سود عملیاتی
(۱,۹۱۴)		هزینه‌های مالی
۴۵,۳۰۱		سود خالص قبل از کسر مالیات
-		مالیات
۴۵,۳۰۱		سود خالص

۳.۷. صورت ارزش افزوده

در صورت ارزش افزوده، ثروت ایجاد شده از سوی یک شرکت، در طی یک دوره‌ی مالی و توزیع آن بین گروه‌های ذی‌نفع گزارش می‌شود. از آن‌جا که گروه‌های ذی‌نفع یک مؤسسه منحصر به سهام‌داران و مالکان نیست و طیف وسیعی از کارکنان، دولت و نهادهای دولتی، مؤسسات مالی و اعتباری و سایر افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد، صورت مذکور چگونگی توزیع ارزش افزوده‌ی بین این گروه‌ها را نشان می‌دهد و نیز ارقام توزیع نشده را که برای توسعه‌ی عملیات شرکت در نظر گرفته شده است، گزارش می‌نماید.

اگرچه تاکنون برای تهیه‌ی صورت ارزش افزوده، استاندارد ارایه نشده و عموماً شرکت‌ها آن را براساس صورت سود و زیان تهیه می‌کنند، اما در این‌جا، متداول‌ترین شکل آن برای شرکت نمونه، ارائه می‌گردد:

شرکت نمونه

صورت ارزش افزوده

برای سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۶

میلیون ریال	میلیون ریال
۱,۷۳۳,۰۰۳	درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در سهام
۳,۵۵۵	درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت
۱۱۵,۷۳۸	درآمد خرید و فروش سهام
۱,۸۵۲,۳۲۶	جمع
	کسر می‌شود:
	هزینه‌های عملیاتی (۱,۴۵۶)
۱,۸۵۰,۸۷۰	توزیع ثروت
۲۸,۲۷۰	کارکنان (حقوق)
۹,۷۸۵	دولت (مالیات حقوق و فروش سهام)
۸۵۰,۵۰۰	مالکین (سود سهام)
۱۱۸,۲۱۴	موسسات مالی (کارمزد)
۸۴۰,۷۵۷	سود باقیمانده برای سرمایه‌گذاری مجدد
۴,۳۴۴	بورس اوراق بهادار (کارمزد)
۱,۸۵۱,۸۷۰	

شرکت نمونه

ترازنامه بر اساس ارزش‌های جاری

برای سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۳۸۶

فعالیت‌های سرمایه‌گذار در آمد شرکت‌ها	سبد گردانی	طرح‌ها و پروژه‌ها	جمع	
۲۴,۰۴۷	۱۱,۰۶۹	-	۵۲,۳۴۷	وجوه نقد
۲۵۱,۷۲۱	۴۵,۷۲۵	-	۲۹۷,۴۴۶	سرمایه‌گذاری کوتاه مدت
۲۵,۴۱۲	۲,۷۲۵	-	۱,۴۸۳,۱۸۸	سود سهام دریافتنی
-	-	-	۸۰۴,۱۱۰	حساب‌های دریافتنی
-	-	۱۲۱,۰۱۱	۱۲۱,۰۱۱	پیش پرداخت
۳۰۱,۱۸۰	۵۹,۵۱۹	۱۲۱,۰۱۱	۲,۷۵۸,۱۰۲	
-	-	۱,۶۴۱,۰۶۲	۲۸,۳۶۹,۶۵۷	سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت
-	-	-	۲,۴۱۷,۸۳۹	حساب‌های دریافتنی بلند مد
۲,۴۶۵	-	۱,۴۳۹	۱۱,۲۹۸	دارایی‌های ثابت مشهود
۱۶۲	-	-	۶۴۸	دارایی‌های ثابت نامشهود
۲,۶۲۷	-	۱,۶۴۲,۵۰۱	۲۰,۷۹۹,۴۴۲	
۳۰۳,۸۰۷	۵۹,۵۱۹	۱,۷۶۳,۵۱۲	۲۳,۵۵۷,۵۴۴	
۴۰,۶۷۱	۷,۷۲۵	-	۵۶۵,۰۷۴	سود سهام پرداختنی
۱,۲۵۳	۵۰,۰۰۰	۱۲۳,۷۴۰	۲۲۵,۵۳۵	حساب‌ها و اسناد پرداختنی
۱۲,۷۶۳	-	۲۸۸,۲۳۵	۴۶۱,۷۱۰	وام کوتاه مدت
۵۴,۶۸۷	۵۷,۷۲۵	۴۱۱,۹۷۵	۱,۲۵۲,۳۱۹	
-	-	۲۳۷,۸۲۱	۳۴۶,۱۹۷	وام بلند مدت
۵۳۴	-	-	۲,۱۳۸	ذخیره مزایای پایان خدمت
۵۳۴	-	۲۳۷,۸۲۱	۳۴۸,۳۳۵	
۱۰,۰۰۰	-	-	۶,۰۶۵,۰۰۰	سرمایه
-	-	-	۵۸۷,۹۱۳	اندوخته‌ی قانونی
۱۲۴,۸۳۵	-	-	۳,۹۷۵,۲۲۵	اندوخته‌ی سرمایه‌ای
-	-	-	۲۸۱,۸۴۵	اندوخته‌ی مخصوص
(۹,۶۱۹)	۱,۷۹۴	۹۵۶,۵۲۹	۱۸,۸۴۸,۸۵۹	اندوخته‌ی تجدید ارزیابی
۱۳۳,۳۷۰	-	۱۵۷,۱۸۷	۲,۱۸۸,۰۴۸	سود انباشته
۲۴۸,۵۸۶	۱,۷۹۴	۱,۱۱۳,۷۱۶	۳۱,۹۵۶,۸۹۰	
۳۰۳,۸۰۷	۵۹,۵۱۹	۱,۷۶۳,۵۱۲	۲۳,۵۵۷,۵۴۴	

۴.۷. ترانزنامه‌ی مبتنی بر ارزش‌های جاری

از آنجایی که دستیابی به اطلاعاتی در خصوص وضعیت مالی شرکت‌ها براساس ارزش‌ها و قیمت‌های جاری، از جمله علایق فعالان بازار سرمایه بوده و اجماع عمومی نیز در خصوص آن حاصل گردیده است، ترانزنامه‌ی مبتنی بر ارزش‌های جاری به عنوان ارائه دهنده‌ی تصویری به روزتر از وضعیت مالی شرکت در مجموعه‌ی مالی مدل مطلوب قرار می‌گیرد.

اگرچه در خصوص اقلام و نحوه‌ی انعکاس دارایی‌ها و بدهی‌ها در ترانزنامه مبتنی بر ارزش‌های جاری، مباحث مختلفی مطرح بوده، این که کدام اقلام باید براساس ارزش‌های جاری و کدام اقلام بر اساس ارزش‌های تاریخی انعکاس یابند، محل چالش فراوان بوده و برخی حتی اقلامی مانند حساب‌های دریافتی و پرداختی را نیز مشمول ارزش‌گذاری براساس نرخ‌های تنزیل می‌دانند؛ اما آنچه در پرسش‌نامه‌ی تنظیمی نیز مورد اجماع واقع گردیده، این است که حداقل اطلاعاتی مانند دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌ها (اعم از کوتاه مدت و بلند مدت) می‌توانند به ارزش‌های جاری انعکاس یابند.

با در نظر گرفتن هدف پژوهش حاضر در مبنای نظریه‌ی وجوه، در ارائه‌ی ترانزنامه‌ی مبتنی بر ارزش‌های جاری در این تحقیق، سعی شده است که همان صورت وضعیت مالی فعالیت‌های اصلی که در ابتدای مبحث اخیر معرفی گردیده بر مبنای ارقام تعدیل یافته بر مبنای ارزش‌های روز، مورد تدوین مجدد قرار گیرد که در صفحه‌ی بعد ارائه شده است و بدیهی است که مابه‌التفاوت مربوط به ارزش‌های روز و بهای تمام شده‌ی تاریخی نیز طبق استانداردهای مربوط به تجدید ارزیابی، در قالب «اندوخته‌ی تجدید ارزیابی» انعکاس یافته‌اند.

یادداشت‌های تکمیلی همراه صورت‌های مالی. طبق آنچه از اجرای روش دلفی حاصل گردید، خبرگان و متخصصان، در خصوص ارائه‌ی اطلاعات تکمیلی - علاوه بر آنچه در حال حاضر در صورت‌های مالی رایج و یادداشت‌های همراه آن ارائه می‌شود - اجماع داشتند. این اطلاعات شامل مواردی از قبیل اقلام زیر است که بایستی در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی درج شوند:

- اطلاعات مربوط به منبع، محل تحصیل و هزینه‌ی تحصیل منابع مالی سازمان؛
- اطلاعات مربوط به کارآیی و اثربخشی روش‌های مصرف منابع در جهت تحقق

اهداف سازمان؛

- اطلاعات مربوط به رعایت الزامات شرعی و قانونی در انجام فعالیت‌های مالی و کسب و کار؛
- اطلاعات مربوط به ترکیب مالکان اصلی شرکت و جنبه‌های شخصی و اقتصادی آنها؛
- اطلاعات مربوط به وثایق تعهدات بلندمدت؛
- تفکیک بدهی‌ها و مطالبات قرض الحسنه از بدهی‌ها و مطالبات دارای کارمزد ثابت یا سهم سود تعیین شده براساس قرارداد مشارکت؛
- تجزیه سنی اندوخته‌ها و سود انباشته و برنامه‌ی شرکت برای استفاده از آنها در آینده.

علاوه بر این، ممکن است برحسب نوع فعالیت شرکت، ارائه‌ی گزارش‌های بیشتری مانند گزارش عملکرد فعالیت‌های مربوط به اداره‌ی شرکت‌ها به تفکیک هرکدام از صنایع اصلی که شرکت در آنها سرمایه‌گذاری نموده است نیز ضرورت یابد. به عنوان مثال، ممکن است ارائه‌ی گزارش عملکرد فعالیت‌های اداره‌ی شرکت‌ها - صنایع پتروشیمی یا گزارش عملکرد فعالیت‌های اداره شرکت‌ها - صنایع کانی فلزی و غیرفلزی نیز به شفافیت بیشتر صورت‌های مالی کمک کند.

۸. نتیجه‌گیری

توسعه‌ی بازارهای سرمایه در جوامع اسلامی، ضرورت گزارش‌گری مالی مناسب را برای استفاده در این بازارها دوجندان کرده است. از آنجا که در نظام اقتصادی مورد نظر دین مبین اسلام، بر اصولی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، افشای کافی، محاسبه‌ی سود واقعی (و پرهیز از ربا) و توزیع عادلانه‌ی سود تاکید گردیده، گزارش‌گری مطلوب در این بازارها نیز باید حاوی عوامل کلیدی و موثر پیش‌گفته باشند تا بتوانند نیازهای فعالان مسلمان بازار سرمایه را به نحو مناسبی برآورده سازند. این پژوهش در پی دستیابی به مدلی مطلوب برای گزارش‌گری در بازار سرمایه‌ی کشورهای اسلامی شکل گرفته و با استفاده از مبانی نظریه‌ی وجوه و تحقیقاتی که در کشور مالزی در زمینه‌ی گزارش‌گری مالی اسلامی انجام شده، مجموعه‌ای از صورت‌های مالی را که در آنها به جای «واحد اقتصادی» و «رشته

فعالیت‌های اصلی» به عنوان محور گزارش‌گری در نظر گرفته شده‌اند، ارائه می‌دهد که برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ قابلیت کاربرد دارد.

به نظر می‌رسد که با انجام پژوهش‌های بیشتر و آزمون این مدل برای سایر بنگاه‌ها و صنایع مختلف در آینده و همچنین بررسی تطبیقی و انتقادی استانداردهای گزارش‌گری رایج می‌توان به غنی‌تر شدن مبحث گزارش‌گری مالی اسلامی یاری رساند.

یادداشت‌ها

1. Accountor
2. Accountee
3. Equity Theories
4. Proprietary
5. Entity Theory
6. Fund Theory
7. William J. Vatter
8. Baydon, N. & Willet, R. 2000. 'Islamic Corporate Reports; ABACUS, 36 (1). PP21-98
9. Corporate Financial Reporting. 10. Measurement
11. Maliah Sulaiman
12. Testing a Theory of Islamic Corporate Reporting: The Case of Malaysia
13. Testing a Model of Islamic Corporate Financial Reports.
14. Taylor. D. W.
15. Using The Hafstede – Gray frame Work to argue normatively for an Extension Islamic Corporate Reports
16. Islamic Corporate Financial Reporting
17. Shahul Hameed Bin Mohammad Ibrahim
18. Dundee University (UK)
19. Anglo- American
20. Islamization of Accounting
21. The Objectives and Characteristics of Islamic Accounting
22. Rizal Yaya
23. Fund Reports / Statement of Funds
24. Fund

منابع

الف. فارسی

- ایجیری، یوجری. (۱۳۸۳). در باب چارچوب مفهومی مبتنی بر مسوولیت پاسخ‌گویی. فصل‌نامه‌ی مطالعات حسابداری، ترجمه‌ی جعفر باباجانی و امیر پوریا نسب، شماره ۳: ۱۵۵-۱۷۲.
- باباجانی، جعفر. (۱۳۷۹). نقش مسوولیت پاسخ‌گویی در چارچوب نظری حسابداری دولتی. فصل‌نامه‌ی حسابرس، ۲ (۷): ۲۶-۳۴.
- بایا، ریضال و شاهول، حمیدبن ابراهیم. (۱۳۸۴). اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی. ترجمه‌ی موسی بزرگ اصل، فصل‌نامه‌ی حسابرس، ۳۱: ۷۸-۸۵.
- دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران. (۱۳۷۲). اقتصاد و حسابداری، دوقلوهای ناسازگار. ترجمه‌ی علی ثقفی و کامبیز فرقاندوست حقیقی، فصل‌نامه‌ی بررسی‌های حسابداری، ۲ (۵): ۶۱-۷۷.
- فخاریان، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). ضرورت رعایت و گزارش‌گری مسوولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها، مجله‌ی حسابدار، ۱۹ (۱۶۷): ۴۳-۴۶.
- کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۰). استانداردهای حسابداری. تهران: سازمان حسابرسی، تهران، نشریه شماره‌ی ۱۴۵: ۵-۳۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۲-۴۵.

ب. انگلیسی

- AAOIFI. (1996). *Accounting and auditing standards for islamic financial institutions, manama*. Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.
- Baydoun, N. and Willet, R. (2000). Islamic corporate reports. *Abacus*, 36 (1): 71- 90.
- Gilman, S. (1939). *Accounting concepts of profit*. New York: Ronald Press Co.
- Gray, S. J. (1987). Towards a theory of culture influence on the development of accounting systems internationally. *Abacus* (23): 23-37
- Hameed, S. (2000). The need for Islamic accounting: Perception of its objectives and characteristics by Malaysian accountant and

- academics (Ph. D. Thesis). University of Dundee.
- Hendriksen, Eldon S. and van Breda, Michael F. (1991). *Accounting theory*. Fifth Edition. Homewood, IL: Irwin.
- Hofstede, G. (1987). The Cultural Context of Accounting. In *Accounting and Culture: Plenary Session Papers and Discussants' Comments from the 1986 Annual Meeting of the American Accounting Association*, B. E. Cushing. (Ed.) American Accounting Association: 1-11.
- Hopwood, A. (1991). *The Future of accounting harmonization in the community*. European Accounting.
- Hord, Warner H. (1942). A neglected area of accounting valuation. *Accounting Review*. XVII. 4: 54-69.
- Husband, George R. (1938). The Corporate Entity Fiction and Accounting Theory. *Accounting Theory*. *Accounting Review*, XIII (3): 2-19.
- Littleton, A. (1993). *Accounting evolution to 1900*. New York: American Institute Publishing Co.
- Mc Farland, G. A. and Ayars R. D. (1963). *Accounting fundamental*. New York: Mc Grow Hill.
- Paton, W. A. and Littleton, A. (1940). *An introduction to corporate accounting standards*. Chicago: AAA.
- Prera, H. (1989). Towards a Framework to Analyses the Impact of Culture on Accounting. *International Journal of Accounting*. 24.
- Scott, William. (2002). *Financial accounting theory*. Canada: Pearson Education.
- Stewart, Y. D. (1984). *The role of information in public accountability*. Oxford: In Hopwood.
- Sulaiman, M. (2001). Testing a Model of Islamic Corporate Financial Reports: Some Experimental Evidence. *IIUM Journal of Economics and Management*, q (2).
- Sulaiman, M. (1997). Testing a Theory of Islamic Corporate Reporting: The Case of Malaysia, *Ph.D. Thesis*, University of Otago,
- Sulaiman, M. (1998). The usefulness of Current Value Balance sheet and the Value Added Statement to Muslims: Some Evidence from Malaysia, *Accounting, Commerce & Finance: The Islamic Perspective*, 2 (2).
- Sulaiman, M. and Willett. R. (2002). *Using the Hofsted- Gray framework to argue normatively for an extension of Islamic Corporate Reports*.

Malaysia: international Islamic University.

Vatter, W. J. (1947). *The Fund Theory of Accounting And Its Implications for Financial Reports*. The University of Chicago Press.

Wolk, Harry I.; James, L. Dodd and Michael G. Tearney. (2004). *Accounting Theory: Conceptual Issue in a Political and Economic Environment*. SAGE Company.

